



# آشنائی با مجامع قضائی بین المللی

## ۱ - دیوان دادگستری بین المللی<sup>(۱)</sup>

الف تأسیس پایه های حقوقی، فعالیت

### ۱ - تاریخچه

به لحاظ اهمیت نقشی که دیوان دائمی دادگستری بین المللی<sup>(۲)</sup> ایفاء نمود، مخالفان دول محور (متفقین) در مدت زمان کوتاهی از جنگ جهانی دوم، موافقتنامه ای را با امضاء رساندند که وفق آن سیستم و نظامی طراحی گردید که منازعات واقعه میان دول را بصورت مسالمت آمیز حل و فصل نماید. برطبق اصول منشور آتلانتیک چنین نظامی می بایست، دربرگیرنده یک نهاد قضائی بین المللی باشد. به همین لحاظ، ضرورت وجودی یک دیوان دادگستری با اهداف یک نهاد فراگیر جهانی، بسال ۱۹۴۴، در کنفرانس دامبارتن اوکس<sup>(۳)</sup> مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

1- International Court Of Justice (I.C.J).

2- Permanent International Court Of Justice (P.I.C.J).

3 - Dumbarton - Oaks.

نکته قابل توجه راجع به اساسنامه دیوان، این است که اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی تقریباً اساسنامه تعدیل شده دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی است، که از لحاظ شکلی، نیز تا زمان کنفرانس دامبارتن اوکس وجود داشت، و از دیدگاه دیگر، اساسنامه نوینی بود که بر طبق الگوی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی طراحی شده بود.

بسال ۱۹۴۵ شرکت کنندگان در کنفرانس یالتا<sup>(۱)</sup> تصمیم گرفتند که «کنفرانس ملل متحد در خصوص سازمان بین‌المللی»<sup>(۲)</sup> در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵، در سانفرانسیسکو منعقد شود. دولت ایالات متحده امریکا، از کمیته حقوقدانان، بنمایندگی از جانب کشورهای شرکت کننده در کنفرانس دامبارتن - اوکس، بمنظور بحث و تبادل نظر پیرامون تشکیل دیوان بین‌المللی، دعوت بعمل آورد تا نمایندگان مذکور در شهر واشنگتن حضور به هم رسانند.

کمیته حقوقدانان، که متشکل از نمایندگان ۴۴ کشور بود، اساسنامه دیوان دادگستری را در آوریل ۱۹۴۵ تهیه نمودند، بیشتر مقررات مندرج در اساسنامه مذکور کلمه به کلمه از اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که در سال ۱۹۲۹ مورد تجدید نظر واقع و در اول فوریه ۱۹۳۶ لازم‌الاجراء شده بود، اقتباس گردید.

متعاقب کنفرانس سانفرانسیسکو، طرح اساسنامه، به کمیسیون ویژه‌ای که از دو عضو دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی<sup>(۳)</sup>، نیز بعنوان مشاور دعوت بعمل آورده بود، ارجاع گردید.

با توجه به این واقعیت که نمایندگان ۱۳ دولت شرکت کننده در کنفرانس سانفرانسیسکو (همراه با امریکا و شوروی) از امضاء کنندگان اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی محسوب نمی‌گردیدند، و با امعان نظر به اینکه ۱۶ دولت امضاءکننده اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت ننموده بودند، کمیسیون تصمیم گرفت که یک دادگاه جدیدی از نو، تأسیس گردد. کمیسیون، با اندک اصلاحاتی موافقت نمود که طرح

1 - Yalta Conference.

2 - U.N Conference On International Organization

۳ - مدعوین عبارت بودند از: الف - Guerrero رئیس دیوان دائمی دادگستری و قاضی Hudson

اساسنامه بوسیله کمیته حقوقدانان تقدیم شود. اساسنامه دیوان جدید<sup>(۱)</sup> (دیوان دادگستری بین‌المللی) به همراه منشور ملل متحد، در ۲۵ ژوئن ۱۹۴۵ در جلسه اصلی ملل متحد به امضاء شرکت کنندگان حاضر رسید و اساسنامه دیوان و نیز منشور ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ لازم‌الاجراء گردید.

## ۲- پایه‌های حقوقی:

فصل چهاردهم منشور ملل متحد، در برگزیده پایه‌های حقوقی تأسیس و وضع حقوقی دیوان دادگستری بین‌المللی می‌باشد. اساسنامه دیوان، متضمن مقرراتی برای سازمان، صلاحیت و آئین رسیدگی دیوان نظیر موارد مذکور در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی می‌باشد، وفق ماده ۹۲ منشور، اساسنامه دیوان جزء لایتجزی منشور ملل متحد می‌باشد. بنابراین تمامی دول عضو ملل متحد، بخودی خود، طرف تعهد اساسنامه تلقی می‌گردند. دولتهایی که عضو سازمان ملل متحد نمی‌باشند، می‌توانند طرف تعهد اساسنامه قرار گیرند، مشروط بر اینکه تحت شرایط معینی بدین کار رضایت دهند که شرایط مزبور در هر موردی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، براساس توصیه شورای امنیت (مطابق ماده ۹۳ منشور) تعیین خواهد شد.

تاکنون این موضوع در مورد سوئیس (در سال ۱۹۴۸)، لیختن اشتاین (سال ۱۹۵۰) سان مارینو (۱۹۵۴) اعمال گردیده است.

وضعیت دیوان دادگستری بین‌المللی متفاوت از وضعیت دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی می‌باشد بدین مفهوم که میثاق جامعه ملل<sup>(۲)</sup> بندرت راهبردهایی را برای تشکیل دیوان مقرر می‌نمود، بنابراین پایه‌های حقوقی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی منحصرأ بوسیله اساسنامه‌اش معین می‌شد و قابل تسری به همه اعضای جامعه ملل نبود و به همین لحاظ تمامی اعضاء جامعه ملل، طرف تعهد آن محسوب نمی‌گردیدند.

نحوه اصلاحیه‌های اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی، ذاتاً مشابهت فراوانی به شیوه اصلاحیه منشور ملل متحد (ماده ۶۹) اساسنامه دارد و منتج از مقررات فوق، و ادغام اساسنامه دیوان در منشور ملل متحد حاکی از انطباق بند ۳ ماده ۱۰۹ منشور با اساسنامه می‌باشد. بند مذکور مقرر می‌دارد:

1 - New World Court .

2- Covenant Of the Leauge Of Natians.

«کنفرانس عمومی، با انگیزه تجدید نظر در منشور، می‌بایست ده سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد، تشکیل گردد.»

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست سالیانه خود، بسال ۱۹۵۵ تصمیم به تشکیل چنین کنفرانس گرفت، لیکن در عمل هیچگاه چنین کنفرانسی به‌منصه ظهور نرسید، مجمع در جلسه سالیانه خود، بسال ۱۹۶۱، پیشنهادهای را برای اصلاح منشور عنوان نمود. امکان اصلاحات ذیل در اساسنامه در چهارچوب سیستم ملل متحد، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته، لیکن بطور واقعی مورد تعقیب واقع نشده است، این موضوعات اختصاراً عبارتند از:

- مسئله انتقال مقر دیوان دادگستری بین‌المللی به نیویورک.

- افزایش تعداد قضاات دیوان.

- بازسازی تأسیس حقوقی قضاات ویژه.

- مسئله اعطای حق دسترسی به دیوان به سازمانهای بین‌المللی.

- توسعه صلاحیت مشورتی دیوان.<sup>(۱)</sup>

وفق ماده ۷۰ اساسنامه، دیوان خود، قدرت پیشنهاد چنین اصلاحاتی را در صورتیکه ضروری تشخیص دهد خواهد داشت و می‌بایست از طریق اطلاعیه کتبی به دبیرکل ملل متحد مبادرت به انجام چنین کاری نماید.

### ۳- وضعیت حقوقی:

وفق ماده ۱ منشور، هدف اصلی ملل متحد «فراهم نمودن وسایل صلح‌آمیز و منطبق با اصول عدالت و حقوق بین‌المللی» می‌باشد.

دیوان دادگستری بین‌المللی نیز در این هدف سهیم است زیرا، این دیوان، وفق ماده ۹۲ منشور، نهاد قضایی سازمان ملل متحد تلقی می‌گردد.

معدالک، دیوان، اصول بنیادین مورد تأکید در قطعنامه «روابط دوستانه سال ۱۹۷۰<sup>(۲)</sup> را سرلوحه کار خود قرار خواهد داد. قطعنامه مذکور عنوان می‌دارد که:

«هردولتی می‌بایست اختلافات بین‌المللی خود با سایر کشورها را بطرق صلح‌جویانه نحویکه صلح و امنیت و عدالت به خطر نیافتد، حل و فصل نماید.»

1- UN. Documents " Review of the Role of the International Court of Justice" A/8238, A/8568, A/8967, A/9846 ( Reports of the 6 th Committee ) and A/8382, A/8747 (Reports of the Secretary General).

2- Friendly relation Resolutian 1970.

تنها نهاد قضایی سازمان ملل متحد، دیوان دادگستری بین‌المللی نمی‌باشد، بلکه دادگاه اداری سازمان ملل متحد<sup>(۱)</sup> نیز بعنوان یک نهاد فرعی قضایی، انجام وظیفه می‌نماید و نیز سایر نهادهای فرعی قضایی وفق ماده ۷ منشور ملل متحد، میتوانند بمنظور انجام وظائف قضایی اختصاصی، تشکیل گردند. ارتباط بین سازمان ملل متحد و دیوان دادگستری بین‌المللی از طرق ذیل ایجاد می‌شود:

۱- انتخاب قضات دیوان.

۲- صلاحیت دیوان در ارائه نظرات مشورتی به سازمان.

۳- مقررات هزینه دیوان که وفق ماده ۳۳ منشور سازمان ملل، بوسیله مجمع عمومی آن را تدوین می‌نماید. دیوان دادگستری بین‌المللی، علیرغم اینکه نهاد قضایی سازمان ملل متحد می‌باشد، لیکن وضعیت بخصوصی در ارتباط با سایر نهادهای فرعی دارد و آن عبارت از این است که در دیوان همانند سایر نهادهای فرعی سلسله مراتب ساختاری در آن رعایت نشده است، این وضعیت، شباهت بسیار زیادی به وضعیت حقوقی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی دارد که خارج از چهارچوب جامعه ملل، تأسیس یافت.

دیوان دادگستری بین‌المللی، یک محکمه مستقل بوده و قبل از آنکه بنام سازمان ملل به دعاوی رسیدگی کند بنام خود به آن دعاوی رسیدگی مینماید و این وجه ممیزه دیوان دادگستری بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد. زیرا گرچه تصمیمات شورای امنیت، نیز می‌تواند وفق ماده ۲۴ منشور، دولت‌ها را ملزم نماید، لیکن به هیچ عنوان، شورای امنیت، نهادی جدای از سازمان ملل متحد نمی‌باشد، به همین لحاظ مبرهن است که دیوان دادگستری بین‌المللی خود به تنهایی موضوع حقوق بین‌المللی بوده و صلاحیت اقدامش محدود به اجرای وظائف خود می‌باشد. دیوان دادگستری بین‌المللی، جانشین حقوقی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تلقی نمی‌گردد، لیکن از نقطه نظر ادامه کار این دو مجمع جهانی، موضوعات قابل ارجاع به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، بموجب معاهدات و قراردادهایی که هنوز مابین طرفین آن لازم‌الاجراء می‌باشند و نیز بموجب ماده ۳۷ اساسنامه، علیرغم تفاوت در نهادهای رسیدگی کننده قابل ارجاع به دیوان دادگستری بین‌المللی می‌باشند، همین وضعیت در مورد اعلامیه‌های صادره بموجب شرط پذیرش اختیاری اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی حاکم است.<sup>(۲)</sup>

1 - UN.Adminstrative Tribunal.

2- Art 36 (5) I.C.J Statute.

#### ۴- شروع به کار دیوان و فعالیت‌های آن:

در ۶ فوریه ۱۹۴۶، هنگامی که قضات دیوان، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد (که در لندن تشکیل گردیده بود) انتخاب شدند، دیوان دادگستری بین‌المللی توانست در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۴۶، بمنظور تدوین اساسنامه خود، در لاهه مبادرت به تشکیل جلسه‌ای بنماید. جلسه افتتاحیه دیوان در ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ تشکیل گردیده بود و از آن تاریخ به بعد، دیوان با استثنای ایام تعطیلات قضایی، وفق ماده ۲۳ اساسنامه، بطور دائمی در حال تشکیل جلسه می باشد با افتتاحیه دیوان دادگستری بین‌المللی، در همان روز انحلال دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اعلام گردید. اولین دعوی مطروحه از جانب دولت‌ها در نزد دیوان، دعوی کانال کورفو<sup>(۱)</sup> بود که در روز ۲۲ مه ۱۹۴۶ نزد دیوان اقامه گردید. از آن زمان تا کنون دیوان نسبت به حدود ۵۳ پرونده مطروحه حکم صادر نموده است. در دعاوی ذیل، به لحاظ اینکه خواهانها دعوی خود را مسترد نمودند، دیوان از ادامه دادرسی خودداری نمود.

۱- دعوی شهر وندان فرانسوی در مصر (۲) بسال ۱۹۵۰ (دعوی فرانسه علیه مصر)  
 ۲- دعوی شرکت برق بیروت (۳) بسال ۱۹۵۴ (دعوی فرانسه علیه لبنان)  
 ۳- دعوی سانحه هوایی (۴) ۲۷ ژولای ۱۹۵۵ (دعوی آمریکا و انگلیس علیه بلژیک)  
 ۴- دعاوی محاکمه جنایتکاران جنگی پاکستان (۵) بسال ۱۹۷۳ (دعوی پاکستان علیه هندوستان)  
 و همچنین در دعاوی ذیل به لحاظ اینکه طرفینی که بر علیه آنان ادعاهایی وارد شده بود، صلاحیت دیوان را نپذیرفته بودند، دیوان از ادامه دادرسی امتناع نمود.  
 دعاوی مطروحه فوق عبارت بودند از:

۱- دعوی قطب جنوب (۶) بسال ۱۹۵۶ (دعوی انگلیس علیه آرژانتین و شیلی)  
 ۲- دعاوی سانحه هوایی (۷) (دعوی آمریکا علیه مجارستان، آمریکا علیه شوروی، آمریکا علیه چکسلواکی)

از زمان صدور اولین رأی مشورتی در مورد «پذیرش یک دولت به عضویت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸»، دیوان تاکنون مبادرت به صدور ۱۸ رأی مشورتی نموده است.

1- Corfu - Channel.

2- Protection of french Nationals and protected persons in Egypt

3- Electricité Beyrouth Company

4- Aerial Incident 27 July 1955

5- Trial of Pakistani prisoners of war

6- Antarctica case

7- Aerial Incidents